هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکوکاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۱۴ | چهارشنبه ۱۵ سرطان ۱۳۸۴ | ۲۹ جمادی الأول ۱۴۲۶ - 6 July 2005

سرمقاله

سخنی درباب اردو و پلیس ملی
ص۲

بحثی دربارهٔ پارلمان و انتخابات پارلمانی
ص ۳

"دموکراتیک ها" و استحالهٔ دیگر!
ص۲

حامد کرزی در دیدار با مردم پکتیا و پکتیکا و خوست:

محترم استاد ربانی برخلاف تصور جهان قدرت را به من انتقال داد



آقای حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان روز چهارشنبه ۸ سرطان درمیان تدابیر شدید امنیتی از شهر گردیز دیدار کرد، و ساختمان جدید قول اردوی شماره ۲۰۳ تندر پکتیا را افتتاح نمود. این ساختمان در جنوب شهر گردیز در ساحهٔ هزار جریب زمین به هزینهٔ بیش از شصت و پنج میلیون دلار کمک ایالات متحدهٔ امریکا آباد گردیده است.

این ساختمان که گنجایش چهار هزار سرباز را دارا و با وسایل عصری مجهز می باشد. میدان هوایی هلیکوپتر، میدان ورزشی، دستگاه تولید برق شش میگاوات، مرکز ارتباط تلفن و اینترنت و شفاخانهٔ ۵۰ بستر را نیز در خود دارد.

آقای حامد کرزی در مراسم گشایش این قول اردو سخنرانی کرد و از کار و شجاعت سربازان و افسران اردوی ملی در حراست از تمامیت ارضی و نوامیس ملی به قدردانی یاد نمود و از مسؤولان اردوی ملی خواست که سربازان خود را با مواظبت، دلسوزی و انتظام نظامی تربیت نمایند.

آقای کرزی همچنان در همایشی اشتراک کرد که از طرف مسؤولان محلی ولایت پکتیا، پکتیکا و خوست در شهر گردیز برگزار گردیده بود. در این همایش حامد کرزی و تعدادی از مسؤولان ولایتی در مورد چگونگی بازسازی در این ولایات صحبت کردند. آقای کرزی در سخنرانی اش گفت: ص ۸

نام ۲۳۳ تن، از فهرست نامزدان انتخابات پارلمانی موقتاً حذف گردید

ستاد ویژهٔ رسیدگی به اعتراض ها علیه نامزدهای انتخابات پارلمانی افغانستان، نام دو صد و سی وسه نفر از کاندیداهای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی را در سراسر افغانستان از فهرست نامزدان انتخابات ۲۷ سنبله، موقتاً حذف کرده است.

گفته می شود که بیش از شش هزار تن، برای ورود به پارلمان خود را نامزد کرده اند و به نامزدی بیش از پنج صد نفر آنان، در بیش از هزار مورد اعتراض صورت گرفته است. از این [illegible] تنها دوصد و سی وسه نفر صلاحیت نامزدی شان به دلیل داشتن گروه های مسلح غیر مسؤول و یا عضویت در چنین گروه ها، رد شده است.

درمیان این رد صلاحیت شدگا[illegible] نیز کسانی دیده [illegible] می شود که هرگز در گروه های مسلح عض[illegible] نداشته اند. این کار به این معنی است که ـ هرچند در ظاهر نگفته اند ـ سلاح داشتن، چه به حق و چه به ناحق نوعی ج[illegible] تلقی می شود.

البته برای کاندیداهایی [illegible] نام شان از فهرست [illegible] نامزدان انتخابات پارلمانی به طور موقت [illegible] گردیده حق داده شده است که تا ۱۶ سرطان [illegible] دفاع کنند و برای کسب مجدد حق نامزدی شان در [illegible] اقدام نمایند.

روز استقلال آمریکا و تجلیل در کابل

واقف حکیمی

چهارم جدی به عنوان روز استقلال آمریکا در تاریخ این کشور شناخته شده است. این روز را در سراسر آمریکا تجلیل می کنند و نمایندگی های آمریکا در کشورهای دیگر نیز مراسمی بدین مناسبت می آرایند. سفارت آمریکا در کابل به روز یکشنبه سه جولای همایشی را به مناسبت صد و بیست و نهمین سالروز استقلال آمریکا در سفارت این کشور در کابل برپا کرد. در این همایش بسیاری از مقامات حکومت، معاون اول رئیس جمهوری و شماری بزرگ از وزیران و شخصیت های سیاسی موافق و مخالف حکومت شرکت ورزیده بودند.

مراسم با بر افراشتن پرچم های افغانستان و آمریکا و نواختن سرودهای ملی این دو کشور آغاز شد. ژنرال [illegible] رهبری فرمانده کل نیروهای [illegible] در افغانستان و خانم میری کوین [illegible] سفیر [illegible] آمریکا در افغانستان به نمای[illegible] ایالات متحدهٔ آمریکا سخن گفتند و احمد ضیاء مسعود معاون اول رئیس جمهوری به نمایندگی از افغانستان در این همایش سخنانی کوتاه ایراد کرد. ص ۷

یک عضو برجستهٔ شورای علما در قندهار کشته شد

مولوی محمد نبی مصباح مسؤول تبلیغات شورای علمای کندهار توسط افراد مسلح به قتل رسید. به اساس گزارش منابع خبری، مولوی مصباح روز یکشنبه ۱۲ سرطان در نزدیکی منزلش در ساحهٔ ناحیهٔ سوم شهر کندهار از سوی دو مرد مسلح که سوار بر موتر سایکل بودند هدف قرار گرفت و پس از انتقال به شفاخانه جان باخت. یک ماه قبل نیز مولوی فیاض رئیس شورای علمای کندهار ترور شد.

طالبان مسؤولیت ترور مولوی فیاض و مولوی مصباح را به عهده گرفته اند.

در مراسم دعا خوانی فیاض، محمد اکرم خاکریزوال قوماندان امنیهٔ کابل طی یک حملهٔ انتحاری جان باخت.

مرگ مولوی مصباح چهارمین حادثهٔ تروریستی در شهر کندهار می باشد که در یک ماه گذشته انجام یافته است.

افغانستان او هند د وروستیو امنیتی حالاتو په باب خبری کړی



د افغانستان د بهرنیو چارو وزیر ډاکتر عبدالله او د هند د بهرنیو چارو وزیر نتوارسنګهـ په نوي ډیلي کې د افغانستان په امنیتي حالت او نورو مهمو مسئلو باندي خبري وکړي.

په نوي ډیلي کې د هند د بهرنیو چارو وزارت یو ویندوي په دې ارتباط وویل دواړو خواو د سپتمبر په میاشت کې د پارلماني ټاکنو مخکې د تندرو طالبانو د بیا راڅرګندیدو په باب اندیښنه څرګنده کړه

په افغانستان کې وژنې زیاتې شوي او په تیر کال کې په سلګونو افغانان وژل شوي دي. د هند د بهرنیو چارو وزارت په مطبوعاتي وینا کې څرګنده شوي چې دواړه هیوادونه به د سیمه ییزو عاجلو مسئلو او د افغانستان امریکا ترمنځ د ستراتژیکی همکاري په باب یو له بل سره همکاري وکړي.

د هند لوري له افغاني لوري څخه د هغه ملاتړ له امله خوښي څرګنده کړه چې هند غواړي د ملګرو ملتو د امنیت شورا په دایمي غړیتوب ومنل شي.

پنج تروریست پاکستانی دستگیر شد

پنج شهروند پاکستانی اعتراف کرده اند که آنها به منظور اجرای اعمال تروریستی به افغانستان فرستاده شده اند. مقامات وزارت داخله می گویند که پنج شهروند پاکستانی دو هفته پیش در ولایت زابل بازداشت شدند، آنها اعتراف کرده اند که از سوی یک گروه تندرو در پاکستان به منظور سازماندهی اعمال تروریستی به افغانستان فرستاده شده اند.

به گفتهٔ مسؤولان پلیس این افراد که در حمله بر ولسوالی میانشین ولایت کندهار دست داشتند پس از درگیری در این ولسوالی به ولایت زابل فرار کرده بودند که در آن جا از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

ارتش امریکا ۱۷ غیر نظامی را در کنر به قتل رسانید



ارتش آمریکا در افغانستان رسما اذعان کرده است که در جریان حملات هوایی جمعهٔ گذشته در ولایت کنر، افراد غیر نظامی کشته شده اند. ارتش امریکا گفته است که آنها محلی را هدف حمله قرار داده اند که از آن جا حملات تروریستی انجام می شد، و این حمله منجر به کشته شدن افراد غیر نظامی شده است.

اسدالله وفا والی کنر، تعداد تلفات غیر نظامیان را ۱۷ نفر عنوان کرده است.

مقامات آمریکایی در افغانستان گفتند که ممکن است در اثر حادثهٔ بمباران در کنر در شرق افغانستان افراد غیر نظامی نیز کشته شده باشند. هواپیماهای جنگندهٔ آمریکایی روز جمعه ۱۰ سرطان منطقهٔ چچل در ولایت کنر را که تعدادی از سربازان آمریکایی در اطراف آن مفقود شده اند بمباران کردند براساس یک خبر دیگر منابع دولت امریکا گفته اند که اجساد دو تن از چهار نیروی ویژهٔ آمریکایی که تقریبا از یک هفته قبل ناپدید شده بودند کشف شده است.

یکی از این چهار نفر روز شنبه زنده پیدا شده بود. اما از سرنوشت نفر چهارم اطلاعی در دست نیست.

اسدالله وفا، والی ولایت کنر به گزارش هایی اشاره کرده است که براساس آنها یک آمریکایی در یک روستای دورافتاده تحت مراقبت روستاییان است.

هلیکوپتری که برای یافتن سربازان ناپدید شده به این نقطه دورافتاده شرق افغانستان اعزام شده بود روز سه شنبه گذشته در اثرشلیک راکت سقوط کرد و ۱۶ سرنشین آن جان باختند.

ارتش آمریکا پس از آن عملیات عمده ای را برای یافتن سربازان مفقود شده آغاز کرد. یک مقام امریکایی مرگ آنها را "یک تراژدی دردناک" توصیف کرد.

آدرس

مجاهد

در اینترنت

Website:
www.mujahid1357.com

E-mail:
Mujahid1357@Yahoo.com

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

سخنی درباب اردو و پلیس ملی

با به میان آمدن تحول جدید در بیش از سه سال گذشته وپی ریزی نظام نوین بر ویرانه های نظام طالبان پیوسته به عنوان یکی از محورهای اساسی بازسازی و نظام سازی و ملت سازی سخن از تشکیل اردوی ملی و پلیس ملی و بخشی بزرگ از کمک های جامعهٔ جهانی به افغانستان در این زمینه هزینه شده است. چنان که پیش بینی شده بود با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و پایان یافتن دورهٔ انتقال بازسازی و نوسازی اردو و پلیس ملی باید به کمال می رسید و بخشی مهم از امنیت و پاسداری از مرزهای افغانستان را این نهادها به دوش می گرفتند. اما تجربه نشان داده است که کار دولت در این زمینه بسیار با موفقیت قرین نبوده است. به باور ما ویژگی های جامعهٔ افغانستان و نیازها و ظرفیت های آن در طرح و راه اندازی برنامه های بازسازی اردو و پلیس ملی مورد نظر قرار نگرفته است.

در باز پروری و نو سازی ارتش و پلیس افغانستان باید فرهنگ مردم و ظرفیت های اقتصادی و انسانی کشور را مورد توجه قرار داد. مدیران بازسازی اردو و پلیس ملی نباید اشتباه کنند در طرح و راه اندازی برنامه های اردو و پلیس ملی، کشور خود شان را با کشورهای کمک دهندهٔ افغانستان عوضی بگیرند. یکی از این قیاس های مع الفارق گردانندگان مدیریت بازسازی اردو و پلیس ملی افغانستان از اعتبار انداختن نظام مکلفیت سربازی در جذب نیروهای تازه نفس است. بی تردید نظام استخدام دایم در بسیاری از کشورهای جهان نتیجه یی خوب به باور آورده است ولی در افغانستان با در نظر داشتن وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن نظام مکلفیت سربازی بازدهی سودمند داشته است. اگر نظام مکلفیت-سربازی در افغانستان معمول نبود به یقین ملت افغانستان در دوران جهاد برضد اشغال اتحاد شوروی وقت دچار مشکلات فراوان می شد.

وقتی نفیر عمومی در برابر تجاوز ارتش سرخ وقت صورت پذیرفت اندک کسانی در افغانستان بودند که در زمینهٔ استخدام سلاح های رزمی و شیوه های جنگ نا آشنا باشند. نظام مکلفیت سربازی همهٔ مردان ملت را به عنوان سربازان دورهٔ احتیاط آموزش داده بود. گذشته از این، نظام مکلفیت سربازی برای همیشه نیروی جوان و فعال بسیار کم هزینه را در اختیار اردو و پلیس افغانستان قرار می دهد، چیزی که از لحاظ اقتصادی نیز به وضعیت افغانستان بسیار همخوانی دارد چون باید کارگذاران کنونی کشور بدانند که این کمک های جامعهٔ جهانی به افغانستان به گونهٔ همیشگی دوام نخواهد کرد.

مسألهٔ مهم دیگر در سامان دادن به اردو و پلیس ملی مسألهٔ توجه به مجاهدان صادق و کارگشته است که بار تجربهٔ چند دهه کارزار دفاع ملی و جنگ آزادی بخش را به دوش می کشند، به بهانه ها و دلائل گونه گون تا هنوز کارگذاران اردو و پلیس ملی به گونهٔ شایسته نتوانسته اند از این ظرفیت و ثروت ارزان استفاده کنند.

مسأله یی که اهمیت آن در شکل دادن به نیروهای دفاع و امنیت کشور کمتر از دو مسألهٔ پیشین نیست مسألهٔ توجه به فرهنگ وحدت ملی به مفهوم واقعی کلمه در ساختار این نهادهاست.

فرهنگ وحدت ملی به رغم این همه هیاهوهای گسترده به گونهٔ واقعی در کشورما جا نیفتاده است. وحدت ملی را به خلاف باور برخی از افراد با زور سر نیزه نمی توان تحقق بخشید، تجربهٔ پیشینیان نشان داده است که چنین برداشت هایی از وحدت ملی بسیار شکننده و بسیار زیانبار برای تحقق راستین آن بوده است.

وحدت ملی یک ساختار فزیکی نیست که از پهلوی هم قرار دادن اشیاء و افرادی چند به دست آید، وحدت ملی یک روند معنوی فرهنگی است که بنیادهای آن پیش از همه بر جان و وجدان مردمان یک کشور نهاده می شود و درخت آن ریشه در برادری و برابری دارد و تجلیات آن به وضوح در همه نمادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن کشور ظاهر می گردد. لهذا باید توجه داشت که ما هرگز بدون داشتن وحدت ملی به مفهوم واقعی کلمه قادر نخواهیم شد که اردوی ملی و پلیس ملی داشته باشیم و این فرعی از آن اصل متین است و وحدت ملی را نیز نمی توان به سادگی تأمین کرد چون وحدت ملی پیش از همه چیز فرهنگ است وبرای ایجاد فرهنگ باید بسیار کارها را انجام داد. در این حالت است که ما به عنوان یک ملت نیرومند و متماسک و استوار و آسیب نا پذیر عرض اندام خواهیم کرد و به بسیاری از چالش های دفاعی و امنیتی پاسخ شایسته پاسخ خواهیم داد.

"دموکراتیک ها" و استحالهٔ دیگر!

محمد نسیم فقیری

آنانی که با تاریخ تحولات سیاسی و گرایش های حزبی در کشور ما علاقه دارند و یا آن را مورد مطالعه قرار می دهند، به این باورند که اکثر خلقی ها دارای پیشینهٔ انتساب و یا گرایش به تشکل سیاسی افغان ملت بوده اند و به همین ترتیب اکثر پرچمی های شمال کشور دارای گرایش به ستم ملی!

همه می دانیم که "خلق"، "پرچم"، "افغان ملت"، "شعلهٔ جاوید" و یا "مساوات" نام نشریه های غیر دولتی دورهٔ دموکراسی بوده است که در کنار ده ها نشریهٔ دیگر غیر دولتی در صحنهٔ مطبوعات حضور داشتند و هر کدام، ارگان تشکل های سیاسی آن زمان بودند ولی افراد منسوب به آن تشکل ها به زودی با انتساب به نام این نشریه ها شهرت یافتند؛ یعنی خلقی، پرچمی، افغان ملتی، شعله یی و یا مساواتی!

در حالی که نام اصلی جریان های یاد شده به ترتیب: جریان دموکراتیک خلق افغانستان (پیشآهنگ طبقهٔ کارگر)، جریان دموکراتیک خلق افغانستان (پیشآهنگ طبقهٔ کارگر و همه زحمتکشان افغانستان)، جریان ملی دموکرات یا سوسیال دموکرات، جریان دموکراتیک نوین و جریان دموکرات شرقی بود.

جریان های شماره اول، دوم و چهارم منسوب به نهضت جهان کمونیستی و یا اندیشه های مارکسیستی -لنینیستی و شعار انترناسیونالیسم پرولتری" بودند، با این تفاوت که اول و دوم به ماسکو روی آورده بودند و چهارمی به پیکنگ و اندیشه های مائو!

با وجودی که تعدادی از افراد غیر پشتون و حتی ازبیک و هزاره نیز در گروه خلقی عضویت داشتند ولی از همان آغاز مشخص بود که قدرت و اکثریت با پشتون هاست و خاطره نویسان این گروه ها به این امر اشاره و اعتراف دارند، به همین ترتیب، قدرت و اکثریت دری زبانان را در گروه پرچم می توان از همان سال های نخست به وضوح دید!

> **امروز که دوران مارکسیسم ـ لنینیسم به پایان رسیده و با مرگ اتحاد شوروی دیگر آن اندیشه ها بازار و خریداری ندارد؛ خلقی های سرخورده و بلاتکلیف، دوباره به همان تمایلات کهن رو آورده اند که تعدادی از آنان زیر چتر افغان ملت قرارگرفته اند و اکثر آنان تشکل های جدیدی را ایجاد کرده اند**

تشکل نسبتاً کوچک و محدود" افغان ملت نیز در حالی که ادعای آرمان ملی و سوسیال دموکرات را داشت ولی کاملاً واضح بود که قدرت و اکثریت در آن با پشتون هاست و بالآخر با گفتار و کردار خویش ثابت نمودند که اکثر اعضای آن دارای گرایش ها و تمایلات افراطی قومی و زبانی اند.

گفتیم که اکثر خلقی های پشتون دارای پیشینه و سابقهٔ قوم گرایی و یا عضویت و نزدیکی به افغان ملت بودند ولی به دلیل ضعف رهبری و تشکیلاتی و یا نداشتن مرام روشن و پیام واضح و یا اندیشه ها و شعارهای جالب و گیرا، به گروه خلقی پیوستند اما با حفظ آن تمایلات و گرایش های قبلی که هرگز با اندیشه های انترناسیونالیستی همخوانی نداشت!

اما امروز که دوران مارکسیسم - لنینیسم به پایان رسیده و با مرگ اتحاد شوروی دیگر آن اندیشه ها بازار و خریداری ندارد؛ خلقی های سرخورده و بلاتکلیف، دوباره به همان تمایلات کهن رو آورده اند که تعدادی از آنان زیر چتر افغان ملت قرارگرفته اند و اکثر آنان تشکل های جدیدی را ایجاد کرده اند که ما شاهد حد اقل سه تشکل تحت رهبری سه وزیر خلقی دوران حاکمیت کمونیست ها می باشیم که مجوز فعالیت را از وزارت عدلیه دریافت داشته اند!

اینان نیز مانند سایر بقایای گروه های خلق و پرچم، عنوان ملی دموکرات را انتخاب کرده اند و در حقیقت از همان "دموکراتیک های دموکرات شده" به حساب می روند!

عاقبت به خیر!

دترهګرو پټون ځایونه چیرته دي؟

پامیر

په افغانستان کې وروستي تاوتریخوالي مور ته دا موضوع زیاته روښانه کوي چې په پاکستان کې څه تیریږي؟

دغه تکي د امریکا په متحده ایالاتو کې د "راند" په موسسه کې د نړیوال مصنونیت او د دفاعي پالیسیو د مرکز رئیس "جیمز دابنز" په دې وروستیو کې د افغانستان د حالاتو په باب په هغه تحلیل کې چې د باستون ګلوب خپرونې له خوا خپور شوی دی ځرګند شوي دي.

جیمز دابنز زیاته کړي ده په افغانستان کې د تاوتریخوالي زیاتیدونکي څپې د اندیښنې وړ دي څکه خلکو فکر کاوه چې د دوي د هیواد حالات د دوي په خوښه د پرمختیا په حال کې دي خو اوسني حالات د دي ښکارندوي دي چې امریکا متحده ایالات به د دې وس ونه لري چې خپل پوځي ځواکونه په لنډه موده کې له افغانستان څخه وباسي او یا د دوي په شمیر کې کموالي راولي.

ده د وروستیو نا امنیو د صادریدو منبع ته په اشاري سره ویلي دي چې د افغانستان بې امني د پاکستان په خاوره کې له پټو ځایونو څخه سرچینه نیسي چې د هري ورځې په تیریدو سره ئې ځپې پیاوړي کیږي. د القاعده د شبکې مشر اسامه بن لادن او ملا عمر دواړه هلته پټ شوي دي.

د امریکا د جمهور رئیس بوش د خانګړي استازي له دغه راز ځرګندونو څخه معلومیږي چې د افغانستان د امنیتي ستونزي اصلي مرکز ته چې هغه په پاکستان کې دي پاملرنه جلب شوي او که د امریکا متحده ایالات غواړي د ترهګرۍ او ترور ریښې له بیخه وچې کړي نو لازم ده چې د پاکستان په مشرانو دا ومني چې د القاعده د ترهګرو ډیر پټ ځایونه په پاکستان کې موقعیت لري او د تروریستان مشران وخت په وخت د دې ملک په خاصو سیمو کې د خلکو په منځ کې راښکاره کیږي او یا په جوماتونو او غونډوکي تبلیغ کوي ونیسي.

مور څو ورځې مخکې د پښتونخوا د ملي عوامي ګوند د یو لوړ مقام ښاغلي رضا محمد رضا مرکه هم واوریده چې په ترځ کې ئې د پاکستان په پوځیانو باندي تور ولګاوه چې په افغانستان کې لاس وهنه کوي او خپل روزل شوي

۶مخ

بحثی دربارهٔ پارلمان و انتخابات پارلمانی

سید ناصر تقدسی

همین که پس از سال ها بحران و بی ثباتی در افغانستان، مردم فرصت می یابند، تا انتخابات پارلمانی شان را در ۲۷ سنبلهٔ سال جاری - با وجود همه کمی ها و کاستی هایی که در آن محتمل است ــ به عنوان نخستین تجربهٔ مردم سالاری برگزار نمایند، واقعاً یک گام رو به پیش است اما نشانه ها و علایمی وجود دارد که شاید این روند مهم تاریخی و سرنوشت ساز، در اثر دخالت برخی از نهادها وحلقه ها ، و در نتیجهٔ سطح پایین سواد و فرهنگ مردم، به انحراف کشانده شود و آرزوهای بلند مردم از این فرایند در پیش رو، همچنان تحقق نیافته باقی بماند.

جلوگیری از انحراف مسیر انتخابات و به همین ترتیب برگزاری منصفانهٔ آن، مستلزم یک سلسله آگاهی هایی است که باید در پیوند به اهمیت پارلمان، وظایف و صلاحیت های آن و... برای مردم پیشکش گردد. در این بحث به گونه یی اختصار تمام این مسائل مورد بررسی قرار می گیرد:

اهیمت و جایگاه شورای ملی

در تعریف و جایگاه پارلمان یا شورای ملی، مادهٔ هشتاد و یک قانون اساسی جدید افغانستان می گوید: "شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر ارادهٔ مردم آن است و از قاطبهٔ ملت نمایندگی می کند."

از این تعریف معلوم می شود که پارلمان یا شورای ملی بالا ترین مرجع در مملکت و عصارهٔ تلاش ها و زحمت کشی های توان فرسای ملت است. پارلمان است که اساس یک کشور را به صلاح می کشد و یا بر عکس به فساد و تباهی رو به رو می سازد. و از همین روست که شورا، یکی از پایه های اساسی نظام حکومت در اسلام به حساب می آید، قرآن کریم، سنت پیامبر و اجماع فقیهان مسلمان، برگزاری آن را حق ملت و وجیبهٔ دینی رئیس دولت اسلامی تلقی کرده اند که نبود آن نظام حاکم را به بحران مشروعیت دچار می نماید. به دلیل همین اهمیت است که خدا می گوید: "ای پیامبر درکارها با ایشان - مسلمانها - مشورت کن."

و پیامبر صلی الله علیه وسلم، هم مبتنی بر همین هدایت الهی در هر کاری با مسلمانان مخصوصاً اهل رأی و مردم صاحب نظر مشوره می کرده اند. در نظام های مردم سالار کنونی نیز شورای ملی را یکی از ارکان اساسی دولت می دانند و روند دموکراسی را بدون وجود پارلمان ناقص و تحقق نیافته عنوان می کنند.

بنا بر این شورای ملی و پارلمان متشکل از نمایندگان واقعی و کاردان مردم، درهر نظام به ویژه نظام

مشورت دادن و مشورت خواستن رسیدن به گنج بی رنج و بهره گیری از نظرهای صائب و تجارب خوب کسانی است که در درازنای سال ها زندگی، با صد درد و رنج تجربه اندوخته اند و با عبور از مراحل مختلف زندگی به پختگی و رشد رسیده اند.

حکومتی اسلام از جایگاهی بلند و اهمیتی بزرگ برخوردار است؛ به این دلیل که مشورت و تبادل رای تنها راه رسیدن به حقایق و بازشناسی تیوری های خوب و بد است، چه در نظام شورایی، هر مشورت دهنده در حد توان وصلاحیت خود، نظر می دهد وبعد سود و ویژگی های نظریه اش را با دلایل منطقی و متکاهای عقلانی یاد آور می شود. و با پیشکش کردن این گونه آرا و در نتیجهٔ مقارنه و مناقشهٔ آن ها، نظر صواب و مفید شناسایی می گردد و به کرسی می نشیند.

افغانستان هم متأسفانه در گذشته ها یکی از این کشورها بوده است که شوراهای آن همواره جنبهٔ نمایشی داشته و وکلای پارلمان همه دولتی بوده اند تا مردمی!

درست مشورت دادن و مشورت خواستن رسیدن به گنج بی رنج و بهره گیری از نظرهای صائب و تجارب خوب کسانی است که در درازنای سال ها زندگی، با صد درد و رنج تجربه اندوخته اند و با عبور از مراحل مختلف زندگی به پختگی و رشد رسیده اند. همچنان رو آوردن به شورا و عمل کردن به نظر انسان های اهل نظر، ولی امر و رئیس دولت اسلامی را، از اقدام به کارهای نادرست و نافرجامی که امت مسلمان را متضرر می سازد، در امان می دارد.

و گذشته از آن، در سائر نظام شورایی، امت و ملت مسلمان به نحوی مطمئن می شوند که صاحب سلطه و قدرت آنهایند و رئیس دولت یا رئیس جمهور فقط حیثیت وکیل آنها را دارد که ارادهٔ شان را در چهارچوب یک نظام اسلامی تمثیل می نماید، و این موضوع بدون تردید، بزرگ ترین سد، بر سر راه استبداد، خودکامگی و استکبار خواهد بود؛ خودکامگی و استکباری که بالقوه در هر انسانی وجود دارد، چنان که خداوند می فرماید: "چنین نیست به یقین انسان طغیان می کند..."

تشکیل، وظایف و صلاحیت های شورای ملی

الف ـ تشکیل شورای ملی

شورای ملی یا پارلمان در کشورهای مختلف از لحاظ تشکیل و پیمانهٔ صلاحیت از هم فرق دارد، در برخی از کشورها، پارلمان از یک مجلس، تشکیل شده است، ولی در بسیاری از کشورها برای پارلمان دو مجلس یا مجمع انتخابی وجود دارد که در این صورت به مجلس اول مجلس نمایندگان یا مجلس ملی و به مجمع انتخابی دیگر مجلس اعیان یا سنا می گویند. در انگلستان مجلس دوم انتخابی نیست و مجلس لردها نام دارد که یک مجلس مشورتی به شمار می آید. معمولاً اختیارهای مجلس ملی یا مجلس نمایندگان به خصوص در امور مالی و وضع مالیات بیش تر از مجلس سناست.

ولی در امریکا مجلس سنا که نمایندگان آن به گونهٔ مساوی از تمام ایالات (هر ایالت دو سناتور) انتخاب می شوند، در مسائل مربوط به سیاست خارجی دارای اختیارهای وسیع تری است.

مجلس نمایندگان امریکا که اعضای آن بر اساس نفوس هر ایالت تعیین می شوند فقط در امور مالی صلاحیت های بیشتر دارند. حدود و اختیارات و قدرت پارلمان در کشورهای گونه گون متفاوت است. در بسیاری از کشورهایی که در گذشته به نام جهان سوم معروف بودند، هم انتخابات پارلمانی و هم پارلمان های منتخب جنبهٔ نمایشی دارند، و نمایندگان این مجالس، که با مداخله و اعمال نفوذ دولت به پارلمان راه می یابند وظیفه یی جز تأیید تصمیم های قدرت حاکم ندارند. افغانستان ص۶

منطقوی معاش څه شو؟

ذبیح الله اتل

که حوارکی معلم دزره دبراس ایستلو په خاطر بوخه ونه وایي نو دورځنیو ستونزو له امله به یې زره وچوی ځکه دی هم زړه لری اوغواړی دنورو دالرمستو په څیر ارامه ژوند ولری له لوړی اوتنگ دستی خبرنه وی.

دکور له کرایي څخه خلاص او دموټرو په ماډلونوکې ورغیږې اودتفریح په وخت کې درنگارنگ سیټونو په لرلو سره یوه څو شیبی له خپلو دوستانو سره دډول ډول خوړو په اړوند بی خایه اوبی مورده بحث وکړی.

زه چې په خپله یوښوونکې یم دژوند خوړی اوترخی می دهیواد داولادونو په ښوونه اوروزنه کی تیرکړی خینی وختونه داراکینو په وعدو غولیدلی اوپه خیالی توګه داسی دعیش اوعشرت په خوبونوکې ډوب شوی یم خو چې کله په هوښ راشم دخپل ټولګی پر خای بل ټولګي ته ولاړیم. تیر کال په ښوونځی کې دښوونکو له خوازه دممتاز ښوونکی په توګه وټاکل شوم. زه چې اقتصادی ستونزو دکورکرایي،او په ټولنیزژوندانه کی ستونزواوکړاونو داسی راګیر کړی وم چې نه می کتاب اونه می هم زده کوونکو ته پام و اوټل داولادونو داعاشي اوابانی په فکرکې ډوب وم نوداچانس می دخان لپاره یوطلائي چانس وباله ماهم خپل رضایت ښکاره کړاوپه هغه غونډه کې چې دښوونکو دورخی دلمانځلو په خاطر جوړه شوی وه ګډون وکړ:زه چې پوهیدم زماپه شان ډیر ښوونکي به په دی هیله و چې ددولت له اراکینو څخه به دښوونکو دژوندانه دښه والی لپاره یونوی زیری ولری په غونډه کې ډیر شوراوزوږو ددولتی اراکینو په راتګ سره یودم آرام والی جوړ شو په غونډه کې چې له ښوونکو څخه پرته بل چاګډون نه وکړی داځکه دهغوی ورځ وه اودهغوی له کارونو څخه ستاینه کیده له دی امله ټولو ښوونکو دوه سترګي ددولت لوړ رتبه چارواکو ته نیولی وی او په هیله منو سترګو یې دهغوی په لور کتل چې په لوډسپکر کی په لوړ اواز وویل شول دښوونکو لپاره منطقوی معاش منظور او دجوزادمیاشتی له دریمی نیټی څخه په ښوونکو ته ورکړل شی.ددی خبری اوریدو پرمادومره دخوشی اغیزه وکړه چې له څنګ سره می په یوه ښوونکي دخپل ښوونځی دمدیرګمان وکړپه غیږ کې می ټینګ ونیو په لوړغږمی ورته وویل:مدیر صیب مبارک دښوونکو لپاره منطقوی معاش منظور شو.نه پوهیږم له خوښی په ماهغه ورځنکه تیره شوه کورته له رسیدو سره دجامو دبدلیدو پرمهال می بی اختیاره دخولی څخه ووتل بیادی هم کورودان وی‌چې ښوونکوته یې دومره پاملرنه شته دهلکانودموراپام شوسړیه داخه دخان سره غږیږی ،چې کوردی ودان وی زه چې له خوښی څخه په جامو کې نه ځایدم ورته می وویل :ښځی زیری می دربانده زموږلپاره منطقوی معاش منظور شو اوس کولای شو دغه زوړ کور چې نه درلری اونه هم دروازه دیوه کال لپاره کراکړو اودکال په پای کې بي کرایه ورکړو.هوا دمنطقوی معاش په انتظارمی شپی اوورځی سباکولی اوهره شیبه می هغه دوه کته ګوری چې دمرکز لپاره زرافغانی اودولایتو نو لپاره دیرلس سوه افغانی وی دخان سره شمیرلی دکال وروستني شپی اوروځی راورسیدی خودمنطقوی معاش هیڅ څرک ونه لګید اوبیا دښوونکي ورځ رانیږدی کیده له بلی خوا په ښوونځي کي مدیراو ښوونکو ډرامه راڅخه جوړه کړی وه. هریوه په خپل وارسره راته ویل چې سم دی نه دی اوریدلی دښوونځی مدیر به په بریتو کې وخندل راته وبه یې ویل ستااوریدل به داسی وی لکه زما پرځای دی بل څوک په هغه ورځ غیږ کی نیولی و ماته به بیاقهر راغی اودلوړی په کولوسره به می وویل :ما په خپله واوریدل نه ویده وم اونه بی هوښه خوچازما خبره نه منله هغه ودښوونکي ورځ راورسیده اوزموږله ښوونځي څخه هغه څوک دممتاز ښوونکي په توګه معرفی شوچي ماکوروڅخه دیوهکال لپاره کراکړی وزه هم شله شوم ،چې ورسره څم اودامی دخان سره تصمیم ونیو چې که چادمنطقوی معاش په اړوند څه ونه ویل نوزه به حتماً داپوښتنه وکړم ټاکل شوی ځای ته ورسیدو غونډه پیل شوه ددولت رئیس بهرنی ملک ته په صفر تللی و دهغه پیغام دپوهنی وزیر له خواولوستل شو ورپسی دپوهنی وزیر وغږید لومړی خبره ئی داوه چې موږمالی امکانات نه لرو نشوکولای دپوهنی وزارت ټولو ښوونکو ته منطقوی معاش په مرکز اوولایتونوکې ورکړو صرف هغومعلیمنو ته به منطقوی معاش ورکړو چې ولایتونه له مرکز څخه خی. اوپه دغه اړوند دمالیي له وزارت سره کارجریان لری انشاالله په نژدی ورځو کې به یې کارتکمیل شی له دی خبرو سره می په وجود سړه خوله راغله سرمی وګرځیده په هیڅ نه یم پوهیدلی بووخت کې چې په هوښ راغلم اوسترګی می رڼی کړی ګورم چې دهغه ښوونکی په اوږوځوړندیم دښی پښی بوټ می دښوونکي په لاس کې زما دکوردروازه خلاصه اوښوونکی زمادبی هوښی په اړوند دزلمی له مور سره خبری کولی.

حد و طالع

حافظ

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف
گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف
طرف کرم زکس نبست این دل پر امید من
گرچه سخن همی برد قصۀ من به هر طرف
از خم ابروی تو ام هیچ گشایشی نشد
وه که در این خیال کج عمر عزیز شد تلف
ابروی دوست کی شود دستکش خیال من
کس نزدست از این کمان تیر مراد بر هدف
چند به ناز پرورم مهربتان سنگدل
یاد پدر نمی کنند این پسران نا خلف
من به خیال زاهدی گوشه نشین و طرفه آنک
مغبچه ای زهر طرف می زندم به چنگ و دف
بی خبرند زاهدان نقش بخوان و لاتقل
مست ریاست محتسب باده بده و لاتَخَف
صوفی شهر بین که چون لقمۀ شبهه می خورد
پاردمش دراز باد آن حیوان خوش علف
حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق
بدرقۀ رهت شود همت شحنۀ نجف

آفتابی در نگاه

احمد شاملو

از دست های گرم تو
کودکان توأمان آغوش خویش
سخن ها می توانم گفت
غم نان اگر بگذارد.
نغمه در نغمه در افکنده
ای مسیح مادر، ای خورشید!
از مهربانی بی دریغ جانت
با چنگ تمامی ناپذیر سرودها می توانم کرد
غم نان اگر بگذارد.
رنگ ها در رنگ ها دویده،
از رنگین در رنگ ها دویده،
که سرا پرده در این باغ خزان رسیده بر افراشته است
نقش ها می توانم زد
غم نان اگر بگذرد.
چشمه ساری در دل و
آبشاری در کف،
آفتابی در نگاه و
فرشته یی در پیراهن،
از انسانی که تویی
قصه ها می توانم کرد
غم نان اگر بگذارد

ادبي ټوټه

مینه او اخلاص

زیارمل

د اخلاص مقام ډیر لوړ ستایل شوي ویل کیږي چي په کوم کار کي مینه، خلوص او پاک نیتي موجود وي هغه کار نتیجه او ثمره ورکوي، هغه کار بري ته رسیږي او د کار صاحب یا کار کوونکي ته کامیابي ور په برخه کیږي، وائي چي څومره زمانه مخ په وړاندي د رومي په هماغه اندازه ورسره دژوند شرایط بدلیږي، ستونزي او مشکلات زیاتیږي دروغ نیتی ځاي بد نیتي او د میني ځاي کرکه او بي اخلاص نیسي.

خو هغه ټولنه مخ په وړاندي درومي او خلک ئي د سوکالی او نیکمرغی مزه څکي چي په اوسیدونکو کي ئي د میني، وروري او اخلاص مزي غځیدلي وي.

په تیرو زمانو کي زیاتره قومونه او ملتونه په همدي تباه شوي او هلاک شوي دي چي د دوي په وعدو او ژمنو کي به وفاداري او اخلاص نه و، اخلاص هغه اوچته پوړي او مرتبه ده چي انسان د تل لپاره هوسا، مطمئن او ډاډمن ساتي.

مخلص شخصیتونه تل خوښ او بریالي وي غیر مخلص انسانان تل له ستونزو، ملامتي او سر ټیټی سره مخامخ وي، د خان او خپلي ټولني لپاره هلاکت او مصیبتونه جوړوي. همدا علت دي چي د افغانانو بد مرغي ورځ په ورځ زیاتیږي ځکه چي دهغو په کړو وړو کي اخلاص او مینه نشته. د دوي ترمنځ یووالي راخي خو اخلاص په کي نه وي، ائتلافونه راخي خو نیت ئي صاف نه وي، سلا مشوري راخي خو په خبرو کي صداقت او پاک نیتي نه وي، نه خپلو ژمنو او وعدوته اخلاصمند وي او نه خپل مقابل لوري ته د پاک نیتی ثبوت وړاندي کولي شي بلکي هر حرکت ئي د حسد او کیني، دښمنی او تر بګنی نه ډک وي، هر لوري هڅه کوي چي خپل سیال ځمولي، هغه له صحني وباسي، هغه ووژني او امتیازات ئي خانته واخلي نو تاسو ووایاست چي دغه راز کړه وړه دغه راز غیر صادقانه اعمال او دغه راز ناروغه نیت به ثمر او میوه ولري؟

تاسو ګورئ ختیځه او لویدیځه نړي ټول زموږ په غم کړیږي، موږ ته لاري چاري ښیئ موږ سولي او صفاته رابولي موږ هرڅه منو خو د بده مرغه چي نه یو بل منو او نه د یو بل منو موږ د کرکي او بي اتفاقی په رنځ اخته یوو، موږ له خان خانی نه خوند اخلو او یو بل په ډبروولو خو د اتفاق او یووالي په چل نه پوهیږو.

هوکي! دهغه څه سره چي د افغانانو ډیر زیات اخلاص موجود دي هغه دښمني او اختلاف دي، خپل منځي شخړي او یو تر بله د پښونه نیول دي، یو بل ته غاړه نه ایښودل، ورور وژنه او وطن ورانول دي، خداي"ج" دي موږ ته د میني او اخلاص ډالی را په برخه کړي که نه نو تباهي او بربادي مو را نژدي ده.

ګوره څه بلند مقام دي د اخلاص
چي جهان واړه غلام دي د اخلاص
که له ځمکي و اسمان ته خاته ګران دي
دا سفر په یوه ګام دي د اخلاص
چي خبر کا مخلصان له علم غیبه
دا همه واړه الهام دي د اخلاص.
د رواج او رسم عمر مدام نه دي
لکه عمر چي مدام وي د اخلاص
بي اخلاصه حلاوت د اسلام نشته
که اسلام دي خو اسلام دي د اخلاص
څه عجب دي که مستان وي تري چاپیره
هر ساقي ځخه چي جام دي داخلاص
څه عجب دي که همائي په دام نښلي
هر صیاد ځخه چي دام دي د اخلاص
پس له مرګه به دا مهر و اخلاص نه وي
که اخلاص کړې نن هنګام دي د اخلاص
د رحمان کلام په دا سبب شیرین دي
چي ئي هر کلام کلام دي د اخلاص

بخوان ای همسفر با من

نیما یوشیج

بخوان ای همسفر با من
رهِ تاریک با پاهای من پیکار دارد
به هر دم زیر پایم راه را با آب آلوده
به سنگ آکنده و دشوار دارد؛
به چشم پا ولی من راه خود را می سپارم.
جهان تا جنبشی دارد رود هرکس به راه خود،
عقاب پیر هم غرق است و مست اندر نگاه خود.
نباشد هیچ کار سخت کان را در نیابد فکر آسان ساز،
شب از نیمه گذشته است، خروس دهکده برداشته است آواز،
چرا دارم ره خود را رها من
بخوان ای همسفر با من!
به رو در روی صبح این کاروان خسته می خواند.
کدامین بار کالا سوی منزلگه رسد آخر
که هشیار است، کی بیدار، کی بیمار؟
کسی در این شب تاریک پیما این نمی داند.
مرا خسته در این ویرانه مپسند.
قطار کاروان ها دیده ام من
که صبح از رویشان پیغام می برد.
صداهای جرس های ره آوردان بسی تشنیده ام من
که از نقش امیدی آب می خورد؛
نگارانی چه دلکش را به روی اسب ها می برد.
در آن دم هرچه سنگین بود از خواب
خروس صبح هم حتی نمی خواند
به یغمای ستیزبادها باغ
فسرده بود یکسر
پلیدی زیر افرادار
شکسته بود کندوهای دهقانان و
خورده بود یکسر.
دل آکنده زهر گونه خبر، می دار ای نومید همسایه گذر با من
بخوان ای همسفر بامن!
چراغی دیدی از راهی اگر پیرایه مند سردری بود
زباغی خوش کز آن در بر رخ مردم گشایند
اگر جنبده آبی بود دریایی، چه پایی
پی آن است این دریا که با کشتی بر آن روزی در آیند.
خیال صبح می بندد به دل این ظلمت شب
پر از خنده هزاران خنده او را بر شیار روی غمناکان
کامید زندۀ خود مرده می دارند.
مکن تلخی، مبر امید
ترا بیمار سر برداشت، دستش گیر
ببین شهد لب پرخندۀ او را چه گوید
چه کس در راه پوید
پریشان وبه دل افسرده
بیابان سنگ ها را، سنگ ها روی بیابان
اگرچه هرچه رنج آورده بنماید فسرده
چراغ صبح می سوزد به راه دور، سوی او نظر با من
بخوان ای همسفر بامن!
فسون این شب دیجور را بر آب می ریزند.
در اینجا، روی این دیوار، دیوار دیگر را ساخت خواهند.
فزایند و نمی کاهند.
که می خندد برای ماست
که تنها در شبستان دیده بر راه است
به چشم دل نشسته در هوای ماست
که بر آن چنگ تار از پوست مرغ طرب بسته است
کسی تا این نگوید چنگ را هر تار بگسسته است.
برای کیستند اینان اگر نه از برای ماست؟
چراغ دوستان می سوزد آنجا دیدمش خوب
نگارینی به رقص قرمزان صبح حیارن
نشسته در... مهوشی
هنوز آن شمع می تابد هنوزش اشک می ریزد.
درخت سیب شیرینی در آنجا هست، من دارم نشانه،
به جای پای من بگذار پای خود ملنگان پا
مپیچان راه را دامن
بخوان ای همسفر با من!

آسیب پذیری افغانستان

نظر به موقعیت جغرافیایی افغانستان، این کشور از نظر سیاسی و اقتصادی همواره مورد تاخت و تاز قدرت های بزرگ دور و نزدیک بوده است. طوری که تزار روس می خواست خود را به آب های گرم شبه قارهٔ هند برساند، و افغانستان مانع بزرگی در این راه محسوب می گردید چنانچه اخلاف آن به بهانهٔ برقرار ساختن نظام کمونیزم و تحت شعارهای عدالت اجتماعی و محو استثمار فرد از فرد، به وسیلهٔ عمال خود، می خواست که خواب دیرینهٔ تزار روس را به واقعیت تعبیر کند و سرنوشت این حرکت نا بخردانهٔ اتحاد شوروی وقت، نه تنها کاخ کمونیزم را از میان برداشت، بلکه نا پایداری و بی کفایتی این ایدئولوژی به گفتهٔ رهبران آن دوران ساز را به اثبات رساند و اتحاد شوروی را فروپاشاند.

اما فرایند این فروپاشی اتحاد شوروی در افغانستان بحران اعتماد و بی ثباتی را در این سرزمین به وجود آورد . اما امروز این آسیب پذیری نیز در افغانستان به شیوه های نوینی بروز کرده است. خطرات بزرگ آسیب پذیری که زمانی قدرت های بزرگ در این منطقه نفوذ داشتند، دیگر وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد، می توان آن را به مثابهٔ مصلحت ملی تحلیل و تفسیر کرد. این خطر امروز نظر به ثبات بین المللی و منطقه یی فروکش کرده است.

امروز خیلی آسیب پذیری از سوی کشور پاکستان وجود دارد، و عمال این کشور در مقاطع مختلف به مصالح ملی ما لطمه وارد می کنند، دست به ترور می زنند و کشور ما را می خواهند بی ثبات نگهدارند و اراده دارند در تصمیم گیری های کشور ما سهیم گردند. و افزون بر این آسیب پذیری، جرقه هایی از سوی کشور روسیه بعد از سقوط طالبان وجود داشته است که دولتمردان افغانستان به خاطر راضی نگهداشتن برخی از کشورها، در مواردی چند به کشور روسیه حمله نموده و به رد سخنان آن کشور پرداخته اند.

به رنگ نمونه ، وقتی روسیه حکومت طرفدار خویش را در قرغیزستان از دست داد. کشور افغانستان را متهم نمود که منبع تهدید برای روسیه و طرفدارانش می باشد. روسیه تا اکنون به دنبال احیای حیثیت از دست رفتهٔ خویش در افغانستان است. نباید فراموش کرد که روسیه الآن بزرگ ترین قدرت نظامی در منطقه است. روسیه از پیشروی امریکا و متحدانش در افغانستان در نگرانی به سر می برد، امریکا و روسیه دو ابر قدرت سال های جنگ سرد در جهان اند و هر دو در رقابت به سر برده اند و بزرگ ترین کمک های نظامی و تسلیحاتی از سوی ایالات متحدهٔ امریکا در دوران جهاد مردم افغانستان به مجاهدین صورت گرفته است و شکست اتحاد شوروی پایان جنگ سرد در جهان است، که به تحلیل صاحب نظران نقش مجاهدین افغانستان در این نبرد تعیین کننده بوده است.

اما باید بپذیریم که مشکلات سلیقه یی، ایدئولوژیک و هژمونی هر دو کشور هنوز پا برجاست. از جهات مختلف حضور هر یک از این کشورها در منطقه یی از جهان مورد شک و تردیدهای ابر قدرت دیگر قرار دارد. مثلاً حضور فزیکی روسیه در برخی از کشورهای آسیای میانه وحضور امریکا در افغانستان، عراق و...

تحلیل گران به این عقیده اند که روسیه موجودیت امریکا را در

روسیه در موجودیت هم پیمانان بزرگی همچون: چین، هندوستان و ایران دیگر کشور ساده و بسیطی نیست که با یک تند باد و خم ابرو از جانب امریکا و متحدانش از صحنه خارج گردد.

افغانستان از سه نقطه نظر مورد دقت قرار می دهد.

از نظر ژئوپولتیک، افغانستان به عنوان قلب آسیا می تواند منافع سیاسی روسیه را در منطقه تحت الشعاع قرار دهد. و یا هر نوع فعالیت سیاسی و اقتصادی امریکا در آسیای میانه لطمه به منافع سیاسی و اقتصادی روسیه تلقی می گردد؛ زیرا کشورهای مشترک المنافع که ابتکار اصلی تحولات آن ها به دست روسیه است و روسیه منافع بزرگ خود را در این مناطق نشانه گرفته است.

از نظر ژئواکونومیک، حضور امریکا در افغانستان نه تنها می تواند تسلط امریکا را بر منافع نفتی آسیای میانه و دریای خضر افزایش دهد؛ بلکه در دراز مدت وضعیت تجاری را در منطقه به نفع امریکا و کشورهای غربی رقم خواهد زد، روسیه و

افغانستان در قبال کشور همسایه اش پاکستان، سیاست شفاف و روشن ندارد و این عدم شفافیت آسیب پذیری از کشور پاکستان را بیشتر خواهد ساخت.

کشورهای دیگر منطقه را بیشتر در تنگنا قرار خواهد داد. اما از نظر ژئواستراتژیک هر چند موجودیت امریکا، ثبات و امنیت را در دراز مدت تضمین خواهد کرد وجریان بازسازی و انتقال تکنولوژی معلوماتی را در کشور سازمان خواهد داد. اما به چالش طلبی روس ها در این برهه یی از زمان برای افغانستان نا خوشایند خواهد بود. و بحرانی ساختن موضوع در قبال روسیه که در مقاطع مختلف از سوی دولت مردان کشور عنوان می گردد، آسیب پذیری دیگری است که کشور بدان مواجه می باشد؛ زیرا روسیه در موجودیت هم پیمانان بزرگی همچون: چین، هندوستان و ایران دیگر کشور ساده و بسیطی نیست که با یک تند باد و خم ابرو از جانب امریکا و متحدانش از صحنه خارج گردد.

این چالش طلبی ها و بزرگ منشی ها، هیچ گاه به نفع مردم افغانستان نخواهد بود، با قوی نشان دادن اضلاع متحدهٔ امریکا و متحدان آن و ذلیل ساختن روسیه مشکل کشور حل نخواهد شد. باید پیام روشن و واحد، برای کشورهای منطقه و دور و نزدیک داشته باشیم؛ زیرا هر نوع بی ثباتی، بی ثباتی کشورهای آسیای میانه، بی ثباتی کشورهای جنوب آسیا و دور و نزدیک را در بر دارد.

از جانب دیگر در این روز ها همان شعارهایی که در آغاز روزهای حاکمیت نظام کمونیستی در افغانستان پیرامون سیاست پاکستان به راه انداخته شده بود، دوباره در حال احیا شدن است. تلویزیون ملی کابل نه تنها محل مشق برای سخنرانان ونظریه پردازان کهنه کار است، بل هر جوان تازه کار می تواند بسیار به سادگی پیرامون پاکستان، مداخلات پاکستان و ... به بحث بپردازد. رژیم کمونیستی به وسیلهٔ این شعارها و اعتراضات خود، به یقین به کشور پاکستان کُمک نمود و آن کشور مورد حمایت عامّ و تام امریکا و متحدان غربی آن قرار گرفت و در دنیای اسلام پاکستان دژ مستحکم نامیده شد و مورد پشتیبانی دنیای عرب و اسلام قرار گرفت.

پاکستان تا حدی هوشیار بود بعد از ختم جهاد مسلحانه در افغانستان، استراتژی بزرگ تر از اتحاد شوروی وقت در پیرامون افغانستان ایجاد کرد و خود را مکلف ساخت تا امور نظامی و سیاسی کشور را رهبری نماید.

وجود طالبان و رفتن استاد ربانی رئیس جمهور از پایتخت کشور، فقط با این هدف راه اندازی شده بود که پروفیسر ربانی آن چنان که پاکستانی ها می خواست نه به گفتهٔ آنان عمل نکرد و پاکستان در روز روشن با تمام ساز و برگ نظامی اش جریان طالبانی را تا کابل بدرقه کرد. هم اکنون آسیب پذیری افغانستان از جانب کشور پاکستان با همان قوت خود باقی است.

از شخصیت اول پاکستان تا آخرین فرد نظامی آن کشور، از افغانستان متوقع است که در امور (نظامی و سیاسی) استراتژیک از این کشور مشوره بگیرد و در مواردی نسخه های آن را بپذیرد ورنه بهانه های زیادی برای بی ثباتی این کشور در آستین دارد.

افغانستان در قبال کشور همسایه اش پاکستان، سیاست شفاف و روشن ندارد و این عدم شفافیت آسیب پذیری از کشور پاکستان را بیشتر خواهد ساخت. باید درست فکر کرد، استراتژی تعیین کرد و خط ملی را تقویه کرد، در غیر آن راه به جادهٔ نجات نخواهیم برد.

قالیبافی
هنری که از جان مایه می گیرد!

وحید مژده

صنعت قالیبافی از دیر باز در کشور ما به عنوان یک صنعت گرانبهای دستی رایج بوده است اما تا قبل از جنگ دوم جهانی این صنعت در اقلام صادراتی کشور ما شامل نبود و فقط در بازارهای داخلی مجال عرضه شدن داشت.

صنعت قالین بافی در این دوره در انحصار اقوام خاص کشور ما بود که سعی داشتند دیگران از رازهای این حرفه آگاه نگردند. به همین دلیل این حرفه در طول قرن ها از انکشاف لازم برخوردار نشد و تغییر اندکی در دیزاین و طرز بافت را برخود پذیرفت. اما قالین افغانی با وجود تنوع اندک در نقش و نگار و رنگ دارای کیفیت بسیار خوب بود که استفاده از مواد طبیعی در رنگ و دوام دار بودن از ویژگی های آن



بوده است. به همین دلیل به زودی ره به بازار جهانی یافت و مورد استقبال قرار گرفت. قالی ، قالین، غالی و خالی، برگرفته شده از (قالیقلا) است که نام محلی در ارمنستان می باشد بنا بر این اصل این کلمه ارمنی است.

قالین بافی از جملهٔ هنرهای تصویری است و از جملهٔ منسوجات می باشد. بنا بر این قالین هم مانند هر منسوج دیگر دارای تار و پود است. در این هنر هماهنگی در رنگ ها در کنار پختگی رنگ از اهمیت خاص برخوردار است نقش ها باید موزون و هماهنگ باشند. در طول قرن ها جای قالین روی زمین به عنوان فرش یا گستردنی بوده است بنا بر این رنگ های تیره و سیر مورد پسند بود تا در فواصل کوتاه زمانی نیاز به شستشوی قالین نیاید.

هرچند صنعت قالیبافی از قرن ها به اینسو بیشتر در خراسان زمین رایج بوده است ولی ارمنی ها و قفقازی ها نیز به این صنعت دسترسی داشته اند، قالین هر منطقه دارای خصوصیات خاص خود است و اهل فن با یک نگاه آن را تشخیص می دهند. اروپاییان نیز با هنر قالیبافی آشنا بوده اند و از جمله قالین پولیندی مشهور بوده است.

نخستین مرحلهٔ ایجاد قالین ریسندگی است. انتخاب پشم بسیار مهم است و معمولاً پشمی که در خزان از گوسفندان چیده می شود با پشم بهاری مخلوط نمی گردد. بعد از آن مرحلهٔ رنگ آمیزی پشم است که باید از رنگ های پخته استفاده شود. در گذشته استفاده از گیاهان برای این منظور معمول بود اما امروز رنگ های کیمیاوی نیز به بازار آمده است. بعد نوبت به مرحلهٔ ریسندگی می رسد از آن به بعد کارگاه یا دار قالین را بر پا می کنند. قالیباف در پای آن می نشیند و نقشهٔ کار را جلوی خود می گذارد. از تارهای رنگین با انگشتان هنر آفرین خود نقش های موزن می آفرینند. قالیبافی هنری است که از جان مایه می طلبد و در هر گره آن باید دقت فراوان به کار رود.

قالیبافان هنرمند در قالین هایی در ابعاد کوچک مجال بیشتر برای تبارز هنر دارند. به همین دلیل گاهی یک قالیچهٔ کوچک را می توان بسیار با ارزش تر از یک قالین در ابعاد بزرگ یافت. می گویند در عهد ساسانیان شاهان ایرانی قالین زربفت بسیار بزرگی داشته اند که در جشن نوروز روی آن جشن بر پا می کردند.

با گذشت زمان سعی شد تا قالین های ظریف تر و سبک بافته شود. استفاده از موادی چون ابریشم نیز رواج بیشتر یافت. سبک تر شدن موجب گردید تا امکان بهره گیری از آن به عنوان تابلوی دیواری نیز مورد توجه قرار گیرد. امروز تابلوی فرش ها در جهان از بازار خوبی برخوردارند.

در کشور ما قبل از کودتای ۷ ثور صنعت قالیبافی از پیشرفت خوبی برخوردار بود اما با تجاوز روس ها به افغانستان که مهاجرت های وسیع آغاز یافت، قالیبافان نیز به کشورهای همسایه به خصوص پاکستان مجبور به هجرت شدند و این حرفه را با خود به پاکستان بردند. ص ۶

قالینبافی هنری که از جان مایه ...

به زودی در قطار اقلام صادراتی پاکستان قالین هم شامل گردید که در حقیقت قالین افغانی بود اما به نام قالین پاکستانی به بازار جهانی راه یافت. پاکستان به قالیبافان مهاجر افغان سهولت هایی را نیز فراهم کرد. در این دوره طرح ها و دیزاین های جدیدی به میان آمد نقش های اسلحه چون کلاشینکوف و طیاره وتوپ نیز ره به تار و پود قالین برد که یادگار دوران جهاد بود قالیبافان با این نقش ها پیام همسویی با جهاد را در نقش قالین عرضه می کردند.

در این دوره بود که قالیبافی از شکل یک صنعت دستی انحصاری مختص به اقوام خاص بیرون آمد و کارگران قالیباف بدون مرز بندی قومی در کارگاه های قالین بافی کنار هم نشستند و نقش آفرینی کردند. رنگ ها تنوع بیشتر یافت و رنگ های روشن تر نیز مورد توجه قرار گرفت. قالین های (چوب رنگ) مورد توجه مشتریان قرار گرفت.

امروز بازار قالین در جهان شاهد رقابت تنگاتنگ میان هنر آفرینان در کشورهایی چون ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه و حتی هندوستان است. در این میدان رقابت کیفیت و تنوع دو عنصر مهم در جلب مشتری است.

نگاهی به نمایشگاه قالین که در کابل دایر شده است نشان از پیشرفت های خوب قالیبافان کشور ما در این عرصه دارد و اگر دست اندرکاران تجارت در کشور ما توجه بیشتر به این صنعت مبذول دارند موجب تشویق بیشتر استعدادها خواهد شد. استعدادهایی که در همین نمایشگاه آثار انگشتان هنر آفرین آنان به وضاحت مشخص بود و انکشاف بیشتر این حرفه را در آینده نوید می داد.

مهاجر باید په خپله ...

همدارنګه یو بل پښتون قبایلي مشر هم په دي ارتباط نیوکه کړي او زیاته کړي ئي ده چي په دي وخت کي څکه دغه راز په لویه کچه کډوال افغانستان ته لیږدول کیږي چي هلته پارلماني ټول ټاکني ګډي وډي کړي دوي په زور باندي دمهاجرو شړل د نړیوال قانون خلاف وبلل او د هغي غندنه ئي وکړه.

د خینو باوري احصائیو له مخي چي پدي وروستیو کي د پاکستان او د مهاجرو د نړیوال کمیشنری له خوا خپري شوي اوس هم په پاکستان کي نژدي دري ملیونه کډوال ژوند کوي او په پام کي دي چي سږ کال ئي څلور سوه زره خپل هیواد ته ستانه شي. موږ هیله من یوو چي د پاکستان دوست او ورور هیواد افغانستان ته د ګډوالو په ستنولو کي بیړه ونه کړي او کوم کسان چي پخپله خوښه راستنیږي هغوي ته هم د پارلماني انتخاباتو له سرته رسیدو وروسته امکانات برابر شي ترڅو په دغه مهم پړاو کي چي افغانان له زیاتو ستونزو سره مخامخ دي د کډوالو د راستنیدو ستونزه وربانـدي زیاته نشي. هیله من یوو چي دپاکستان او ایران وروزنه هیوادونه تل د افغانستان له دولت او ملګرو ملتو د کډوالو د راستنیدو د کمیشنری سره په تفاهم د کډوالو د داوطلبانه راستنیدو لپاره لازم امکانات برابر کړي.

نیکمل

دترهګرو پټون ځایونه ...

ترهګر دغه هیوادته د ورانکاري لپاره استوي محترم رضا صاحب د امریکا د سفیر خلیل زاد د ترور لپاره را استول شوبو ترهګرو ته هم اشاره وکړه او زیاته ئي کړه چي دغه کسان د مانسري په کمپ کي چي له ډیر پخوا نه د ترهګرو په روزنه بوخت دي روزل شوي او افغانستان ته استول شوي دي.

که موږ په افغانستان کي د تیري یوي میاشتي پر له پسي تروریستي پیښي لکه سري وژنه، اختطاف، ځان مرګي بریدونه، د بمونو او ماینونو چاودني، مظاهري، د شبنامو خپرونه او په امنیتي چونیو باندي د طالبانو مستقیم بریدونه وڅیړو نو په هره یوه دغه تروریستي پیښه کي زموږ د ګاونډي هیواد د ځینو ځانګړو افراطي او استخباراتي کړیو لاس شته، ان که د کونړ وروستي پیښه وڅیړل شي نو هلته به هم دي پایلي ته ورسیږو چي دا زموږ د جنوب او ختیځ ګاونډي هیواد دي چي پیښي پیدا کوي، ترهګر رالیږي او په خپلو پټون ځایونو کي د القاعده او طالبانو یو ګډ ترکیب ته روزنه ورکوي، تمویلوي ئي او بیائي زموږ د هیواد د ورانولو لپاره را استوي.

خو موږ وایو چي د دغي نا اعلام شوي جګړي تاو او دود به د هغه چا لمن هم ډیره ژرونیسي چي هغوي زموږ د مسلمانو او دیندارو خلکو پر ضد دسیسي او توطئي جوړوي خو د دي لپاره چي د جګړي اور سیمه او بالآخره نړي و نه نیسي د ترهګرو پر خلاف ائتلاف باید خپل دروند مسئولیت احساس کړي او په لازم عمل لاس پوري کړي.

بحثی دربارهٔ پارلمان و ...

اگر مردم افغانستان در روز انتخابات متوجه حساسیت و اهمیت موضوع باشند و رأی خود را به افراد شایسته، مؤمن، پرهیزگار و کار دان بدهند و چنین اشخاص رابه حیث نمایندگان واقعی خویش به پارلمان بفرستند، به راستی که تا حدود زیادی مشکلات ما حل خواهد شد

هم متأسفانه در گذشته ها یکی از این کشورها بوده است که شوراهای آن همواره جنبهٔ نمایشی داشته و وکلای پارلمان همه دولتی بوده اند تا مردمی!

در کشورهایی که با اصول مردم سالاری اداره می شوند، پارلمان مرکز ثقل سیاست و تصمیم گیری دربارهٔ مسائل مملکتی است. حتی در کشورهایی که رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود و به موجب قوانین اساسی این کشورها، از صلاحیت های زیادی برخوردار است، پارلمان امکانات وسیعی برای کنترل اقدامات رئیس قوهٔ اجرائیه در اختیار دارد.

در افغانستان بر اساس حکم مادهٔ هشتاد و دوم قانون اساسی جدید: "شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانو جرگه می باشد." که می توان مجلس اول را، مجلس نمایندگان و مجلس دوم را مجلس اعیان و یا سنا نامید.

اعضای ولسی جرگه یا مجلس نمایندگان به گونه یی که در مادهٔ هشتاد و سوم قانون اساسی تذکار یافته است توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردند و شمار اعضای آن به تناسب نفوس هر حوزه حد اکثر به شمول رئیس آن دو صد و پنجاه نفر می باشد، و مدت کار این مجلس پنج سال پیش بینی شده است.

و اعضای مشرانو جرگه یا مجلس اعیان (سنا) طبق هدایت مادهٔ هشتاد و چهارم قانون اساسی افغانستان به ترتیب زیر برگزیده می شوند:

۱- از جملهٔ اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چارسال؛

۲- از جملهٔ اعضای شوراهای ولسوالی های هر ولایت یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال؛

۳- یک ثلث باقی مانده از جملهٔ شخصیت های خبیر و با تجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر نمایندگان کوچی ها به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.

البته پنجاه در صد اعضای انتصابی این مجلس را زنان تشکیل خواهند داد.

در این جا این نکته شایان یاد آوری است که در انتخاب و گزینش اعضای مشرانو جرگه، بر خلاف ولسی جرگه اصل مردم سالاری که داعیهٔ دولت مردان جدید است رعایت نشده و در حدود بیشتر از یک ثلث این مجلس را رئیس جمهور انتصاب می کند و این اعضای انتصابی، طبعاً در هر کاری جانب حکومت و رئیس جمهور را خواهند گرفت این امر برای کشور ما که تا هنوز هم از بحران نجات نیافته و ضرورت به یک پارلمان واقعاً مردمی و بی طرف دارد، بسیار زیانبار خواهد بود.

البته فراموش مان نشود که هر یک از دو مجلس شورای ملی (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) در آغاز دورهٔ کار خویش، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر دیگر را به عنوان منشی و نایب منشی برای مدت یک سال انتخاب می کند. و همین اشخاص در واقع هیأت اداری مجلس های ولسی جرگه و مشرانو جرگه خواهند بود.

ب - وظایف و صلاحیت های شورای ملی

شورای ملی افغانستان، علی رغم تلاش های مذبوحانه یی که از جانب برخی حلقات و اشخاص برای بی صلاحیت بودن و نمادینه بودن آن در دوران تسوید و تصویب قانون اساسی جریان داشت، از صلاحیت های خوبی برخوردار است که اگر نمایندگان دل سوز و متعهد به آن راه یابند، کارهای خوبی را به سود مردم افغانستان اجرا خواهد کرد و استراتژی موفقی را برای حل بحران کشور طرح خواهد نمود.

وظایف و صلاحیت های عمومی شورای ملی و صلاحیت های اختصاصی ولسی جرگه (مجلس نمایندگان) در قانون اساسی افغانستان چنین بازتاب یافته است:

"شورای ملی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱- تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛

۲- تصویب پروگرام های انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی؛

۳- تصویب بودجهٔ دولتی و اجازهٔ اخذ یا اعطای قرضه؛

۴- ایجاد واحدهای اداری، تعدیل و یا الغای آن؛

۵- تصدیق معاهدات و میثاق های بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن؛

۶- سایر صلاحیت های مندرج این قانون اساسی. (مادهٔ ۹۰ قانون اساسی)

از متن مادهٔ فوق قانون اساسی، به صراحت هویداست که شورای ملی (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) تنها مرجع قانون گذاری در کشور است وعلاوه از تصویب، تعدیل و یا لغو قوانین و فرامین تقنینی، به عنوان بالا ترین ارگان تصمیم گیرنده صلاحیت تصویب برنامه ها و استراتژی های کلان دولت را در سطوح ملی و بین المللی دارد.

و ولسی جرگه (مجلس نمایندگان) افزون بر صلاحیت هایی که به مثابهٔ یکی از دو مجلس مهم شورای ملی دارد، از صلاحیت های ویژهٔ دیگری نیز در عرصهٔ کارهای داخلی دولت برخوردار می باشد که در مادهٔ نود و یکم قانون اساسی افغانستان این گونه توضیح گردیده است:

"ولسی جرگه دارای صلاحیت های اختصاصی ذیل می باشد:

۱- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزرا مطابق به حکم مادهٔ نود و دوم این قانون اساسی؛

۲- اتخاذ تصمیم راجع به پروگرام های انکشافی و بودجهٔ دولتی؛

۳- تأیید یا رد مقرری ها مطابق به احکام این قانون اساسی."

یقیناً در قانون اساسی ما، برای ولسی جرگه یا مجلس نمایندگان مردم، صلاحیت های خوبی داده شده است که اگر مردم افغانستان در روز انتخابات متوجه حساسیت و اهمیت موضوع باشند و رأی خود را به افراد شایسته، مؤمن، پرهیزگار و کار دان بدهند و چنین اشخاص رابه حیث نمایندگان واقعی خویش به پارلمان بفرستند، به راستی که تا حدود زیادی مشکلات ما حل خواهد شد و هر وزیر و رئیسی که معیارهای دینداری و خدمتگزاری برای مردم را تکمیل نکرده باشد، از ولسی جرگه رأی اعتماد نخواهد گرفت و برنامه های انکشافی و بازسازی دولت نیز به گونهٔ عادلانه، همه مناطق کشور را بدون تبعیض زیر پوشش قرار خواهد داد و هر وزیر و مسؤول دولتی در برابر خلاف رفتاری اش مورد بازپرس و محاکمه قرار خواهد گرفت.

ادامه دارد

پرسشی در باب جنایت دولتی ۲

برگردان: محمد شعیب صیقلی
نویسنده: پنی گرین
استاد قانون در دانشگاه ویست مینیستر

این نوشته مقالتی است از چندین مقاله دربارهٔ حادثهٔ یازدهم سپتامبر که توسط سل سکراتون در کتابی گرد آوری شده و به نام "ماوراء ۱۱ من سپتمبر" به عربی ترجمه شده و منتشر گردیده است. آنچه در این مقالت آمده است لزوماً به معنای موافقت مترجم و مجاهد با آن نیست.

بن لادن در گذشته، یک عنصر مرکزی در گسترش نمونه های سلفی گری افراطی در افغانستان که در سمت و سوی منافع غرب حرکت هایی به وجود آورد، محسوب می شد. بناءً بن لادن را تشویق کردند تا این مجموعه فداییان را در راه مصالح امریکا در افغانستان به کار بگیرد. اما روابط اسامه بن لادن با سعودی و دوست آن امریکا بعد از جنگ عراق بر ضد کویت رو به بدی گرایید، درست زمانی که سعودی از امریکا درخواست ایجاد پایگاه های نظامی را برای جنگ ۱۹۹۹ بر ضد عراق نمود، آنگاه بن لادن به حاشیه رانده شد و به این ترتیب او مبدل به دشمن ایالات متحدهٔ امریکا گردید.

پس از حملات ۱۱ سپتامبر جورج بش از "مجازات و عدالت" در حق مرتکبان حملات سخن گفت، اما بن لادن هرگز به محاکمه کشانده نشد. بلکه قانون امریکا ایجاد محاکم نظامی مخفی را برای "محاکمهٔ تروریست ها" و نابودی آنان به اثر هدایت رئیس جمهوری که "پروندهٔ بزرگی از فرامین اعدام دارد، تجویز کرد.

در واقع این محکمه های نظامی که از مشروعیت هم برخوردار می باشد وسیله یی است برای اجرای اعدام متهمان به تروریسم به دور از محاکمات عادی و بیرون از دایرهٔ حقیقت یابی. این پنهان کاری در واقع اعتراف ادارهٔ بش را به نمایش می گذارد که اگر این محاکمه ها در معرض عموم اجرا گردد به طور حتم در برابر انتقاد های جامعهٔ مدنی قرار می گیرد.

پس آیا ممکن است این جا گفته شود که واکنش ایالات متحدهٔ امریکا در برابر حملات یازدهم سپتامبر واکنش جنایتکارانه یی بوده است؟ این واکنش به یک نوع ریاکاری پوشیده شده است. صاحب این سطور با تونی وود، پیرامون ضرورت تعریف جرایم دولتی به مناقشه پرداخته و نتیجه این است که هر جنایت دولتی عبارت است از انحراف سازمان یافتهٔ دولت که منجر به نقض حقوق بشر گردد. انحراف سازمان یافتهٔ دولت همان فعالیت انحرافی است که برای به دست آوردن اهداف کارگزاران دولت به راه می افتد. از دیدگاه علم جرم شناسی جنایت دولتی همان عملی است که اگر ذریعهٔ شخص دیگری انجام یابد خشونت و تجاوز خوانده می شود.

اگر این تعریف را برای جنایت دولتی به کار ببریم، آیا امکان دارد که بگوییم ایالات متحدهٔ امریکا و همسوی آن بریتانیای بزرگ مرتکب جنایات ضد بشری به صورت وسیعی در افغانستان گردیده اند؟ مسلماً که انسان های بی گناهی در آنجا قربانی گردیده اند.

بمباردمان کابل، قندز و خان آباد در این که طالبان را به زانو در آورد کامیاب بود، اما هزاران افغان اعم از زن، مرد و کودک را کشت که از آنان خبری هم منتشر نشد.

جنگ جورج دبلیو بش و تونی بلیر علیه اسامه بن لادن، القاعده و طالبان در واقع جنگ بر ضد مردم افغانستان است که فقر و جنگ آنان را به پرتگاه نابودی کشانده است همچنان این جنگ قربانی هایی از شهروندان نیز خواهد داشت و آنان این موضوع را درک می کنند. اگر وضع به همین منوال باشد، که همین گونه عملاً نیز هست، پس این معنی را می دهد که دستان بش وبلیر به خون افراد بی گناه از روی قصد وارادهٔ قبلی آلوده است.

هر جنایت دولتی عبارت است از انحراف سازمان یافتهٔ دولت که منجر به نقض حقوق بشر گردد. انحراف سازمان یافتهٔ دولت همان فعالیت انحرافی است که برای به دست آوردن اهداف کارگزاران دولت به راه می افتد.

به کار گیری اصطلاح "ضرر که بدون ارتکاب قصدی لازم گردد" از نا پسند ترین تلاش هایی است که برای نیکو جلوه دادن صورت و نرم نشان دادن حرف و کلام به کار برده می شود. درست ضرر مانند قتل است. بناءً به هر محاسبه یی بمباردمان انتقام جویانهٔ کشوری به خاطر مجازات یک شخص و حکومتی که آن را پناه داده جز این که یک عمل وحشیانه است، تعبیر دیگری نمی تواند داشته باشد. وحشیانه بودن این کار زمانی خوب درک می گردد که آن کشور خود در اثر جنگ های ۲۵ ساله همه هستی اش را از دست داده و قریب به ۵ میلیون نفوس آن از گرسنگی در انتظار مرگ به سر می برند.

اعمال وحشیانه یی که دوستان ایالات متحدهٔ امریکا و بریتانیا در مزار شریف مرتکب شده اند به گونهٔ رسوا آمیز نقض حقوق بشر به شمار می آید که لازم است امریکا و بریتانیا مسؤولیت آن را به عهده بگیرند.

در همین حال وزیر دفاع امریکا دونالد رامسفلد اعلان کرد که توقف حملات هوایی بر قندز فقط زمانی امکان پذیر است که چنین چیزی را شبه نظامیان در شمال مطالبه نمایند و او کمک زیادی با شبه نظامیان اتحاد شمال داشت.

روبرت فسیک می گوید: این اشارهٔ جنایتکارانهٔ واشنگتن را در قفس گواه در هر محکمه یی که در ارتباط به جنایات قندز دایر گردد، قرار می دهد.

ائتلاف امریکا، بریتانیا وملیشاهای مزد بگیر آنان با این سلسله کارها، برای اهداف سازمان یافته یی حقوق بشر را بسیار روشن نقض کرده اند که از سوی میلیون ها انسان در تمام دنیا محکوم شده است. هر گاهی که عملکرد یک دولت به دور از قوانین آن و بر خلاف ارزش هایی که قوانین در خدمت آن قرار دارد به وقوع بپیوندد، عملکرد غیر مشروع پنداشته می شود.

این ریاکاری که پیشتر از آن نام برده شد و توسط امریکا و بریتانیا به کار بسته شده است یک شکل قانونی را نیز می رساند؛ که جدایی و فاصله میان منطق عدالت و اسلوب درست و حکم قانون است و به واقعیت امر بمباردمان شهروندان به صورت انتقام جویانه تظاهرات ضد جنگ در چهار گوشهٔ دنیا را سبب شد و صدها هزار احتجاج کننده را به بیرون کشید وآنها این جنگ را جنگ ضد اسلام خواندند.

در لندن ۱۰۰،۰۰۰ نفر بر عملکرد حزب کارگر که ترویج کنندهٔ جنگ بود اعتراض خود را به نمایش گذاشتند و این درست بعد از سقوط کابل بود. ایالات متحدهٔ امریکا حملات بر نیویارک و واشنگتن را برای تسلط به آسیای میانه وافغانستان و دست یابی به بازارهای نفت در آسیای میانه غنیمت شمرد. همان گونه که توضیح دادیم، کار گزاران نظامی امریکا برای ایجاد یک مرکز غربی در منطقه یی که رشد بنیادگرایی اسلامی تسلط اقتصادی آنان را تهدید می کند، تصمیم گرفتند. لذا هجوم امریکا و بریتانیا بر ضد افغانستان بیشتر رسوایی و انتقام گیری از جنایات ۱۱ سپتامبر را تمثیل می کند.

این حملات برخورد تروریستی دولتی از سوی دولت های بزرگ را آیینه داری می کند، نقض پیوستهٔ حقوق بشر برای نگهداشت منافع اقتصادی و نظامی غربی کمترین جای شکی باقی نمی گذارد که حکومت های ایالات متحدهٔ امریکا و بریتانیای بزرگ به خاطر ارتکاب جنایات دولتی در افغانستان گنه گارند.

روز استقلال آمریکا و تجلیل ...

ژنرال ایکن بیری گفت ۲۲۹ سال پیش مردم آمریکا در چنین روزی استقلال خود را به دست آوردند و از آن روز تا امروز ارتش آمریکا در داخل و خارج آمریکا پاسدار ارزش های انسانی، آزادی و حقوق بشر بوده و در این راه هزاران قربانی داده است. و اکنون ارتش آمریکا در کنار اردوی ملی و پلیس ملی افغانستان دوش به دوش برضد تروریسم می جنگند و این مبارزه به خاطر زندگی آرام کودکان و مردم افغانستان می باشد.

خانم کوین شارژدافیر سفارت آمریکا گفت: ۲۲۹ سال پیش مردم آمریکا مبارزه یی را آغاز کردند که مردم افغانستان اکنون برای رسیدن به آن هدف مبارزه می کنند و او افزود: مردم افغانستان در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری ثابت ساختند که آنها از آزادی حمایت می کنند.

احمد ضیاء مسعود گفت: آمریکا از کشورهای توسعه یافته یی است که در تأمین صلح جهانی تلاش می ورزد. وی از این که آمریکا افغانستان را در جنگ بر ضد تروریسم یاری رسانیده است اظهار خوشنودی کرد.

هرچند روز استقلال آمریکا چهارم جولای ـ چنان که گفتیم ـ شناخته شده است ولی آنچه به آمریکا به عنوان یک کشور مستقل هویت تازه بخشید اعلامیه یی است که به تاریخ ۷ جولای ۱۷۷۶ در مجلس نمایندگان ایالات به تصویب رسید. این اعلامیه توسط یک کمیتهٔ پنج نفری به سرپرستی تامس جفرسن نمایندهٔ ایالت ورجینیا نوشته شده بود. جان مایهٔ این اعلامیه را تئوری فلسفی جان لاک فیلسوف مشهور انگلیس در باب سیاست می ساخت و بیشتر به دیدگاه های او در کتابش "مقالهٔ دوم دربارهٔ حکومت" تکیه داشت.

جان لاک تصورات حقوقی اش در این زمینه را از فلاسفهٔ حقوق باستان گرفت و آن را به حقوق طبیعی تمام انسان ها تعمیم داد. عبارات آغازین اعلامیهٔ استقلال آمریکا، ارزش های نظریهٔ حکومت جان لاک را بازتاب می دهد:

"ما این حقایق بدیهی را می پذیریم که تمام انسان ها برابر آفریده می شوند، برای آنان آفریدگار حقوقی غیر قابل انتقال را می دهد که حق زندگی کردن و آزادی داشتن و خوشبخت بودن از جملهٔ آنهاست.

برای به دست آوردن این حقوق در میان انسان ها حکومت ها ایجاد می شود، قدرت، عدالت را به وسیلهٔ اجرای آن تحقق می بخشد، زمانی که حکومت به این اهداف زیان آور ثابت شود، این حق مردم است تا آن را از میان بردارند یا تغییرش بدهند و به جای آن یک حکومت تازه را بنیان بنهند، پایه های آن را برچنین اصولی بنا سازند تا به باور آنها مصؤونیت و رفاه آنان را تا حد ممکن تأمین کند."

این اعلامیه شالودهٔ تولد یک ملت را نه تنها درمیان مستعمره ها در آمریکا پی ریخت بلکه به عنوان یک فلسفهٔ آزادی انسان ها محرکی شد برای پی ریختن ملتهای نوین در بسیاری از کشورهای جهان.

با اعلام این اعلامیه مستعمرات آمریکایی به استقلال کامل از بریتانیا نرسیدند و جنگ های آنها با نیروهای بریتانیا و وفاداران آن پایان نیافت اما این اعلامیه در نهایت آغاز به رسمیت شناختن استقلال ۱۳ مستعمرهٔ پیشین؛ ایالات کنونی آمریکا در معاهدهٔ صلح پاریس در سوم سپتامبر سال ۱۷۸۲ گردید.

با اعلام این اعلامیه بود که مستعمرات با هم مخاصم آمریکا از جنگ و درگیری های ذات البینی خود به سوی همزیستی و وحدت گام نهادند و به جنگ و درگیری خویش با ساکنان بومی آمریکا سرخپوستان و هندی ها به غلبه و یا تفاهم پایان دادند و بنای ملتی متشکل از ملت های گونه گون و دولتی متشکل از ایالات مختلف را به نام ایالات متحدهٔ آمریکای کنونی پی ریختند.

با این کار آمریکا به زودی به عنوان دولتی در آمد که ارزش های بنیادین انسانی در عرصه های گونه گون در آن تأمین می گردد و در اندک زمانی به مثابهٔ مأوای بسیاری از کسانی که در سرزمین مادری شان مورد تعدی و سلب حقوق و آزادی های انسانی قرار می گرفتند درآمد و از آمریکا و اروپا و آسیا میلیون ها انسان بدانجا مهاجرت کردند و در بر افراختن کاخ تمدن کنونی آمریکا نقش بازی کردند، به حدی که این کشور در دوران جنگ سرد پس از جنگ دوم جهانی به عنوان یکی از دو ابر قدرت جهان عرض اندام کرد و پس از فروپاشی اتحاد شوروی در دههٔ نود قرن پیشین و یک قطبی شدن جهان اکنون پرچم یکه تازی و آقایی جهان را بربامش بر افراشته است.

بدون شک آمریکا با چنین تلاش های ا نسانی توانست در داخل مرزهای خودش یک چنین ارزش های انسانی را تا جایی نهادینه کند و توجه انسان ها را از سراسر جهان به خودش جلب نماید، ولی آیا برای تحقق بخشیدن به این ارزش ها در بیرون از مرزهای جغرافیایی اش کاری انجام داده است؟

رهبران آمریکا همواره مدعی شده اند که ایالات متحدهٔ آمریکا در بیرون از مرزهایش برای تحقق بخشیدن به ارزش های آمریکا، دموکراسی و حقوق بشر تلاش ورزیده است وهمه تلاش های نظامی وسیاسی خود را در همه کشورهای جهان بر این فلسفه بنانهاده است. اما انگیزهٔ این تلاش های آمریکا پیوسته از سوی مخالفانش در جهت مناقض ادعاهای آن، تحمیل دیکتاتوری آمریکا بر دیگران و سلب آزادی و استقلال ملت ها و کشورهای دیگر، خوانده شده است.

بی تردید اگر آمریکا قادر شود که تناقض میان عملکرد های درونی و بیرونی اش را رفع کند و یکسان برای تحقق بخشیدن این ارزش ها در درون و بیرون آمریکا پا بفشارد سیمای انسانی درون آمریکا، به جهان بیرون از آن هم جلوه خواهد کرد.

حمایت بی دریغ آمریکا از اسرائیل و یاری رسانیدنش به حکومت های استبدادی وغیر مردمی در برخی از کشورهای دیگر جهان بسیاری از صاحب نظران را به ادعاهای آمریکا در پی گیری تحقق ارزش های انسانی در بیرون از مرزهای جغرافیایی آمریکا بی باور ساخته است. آیا آمریکا که اکنون نرد آقایی جهان را در این جهان یک قطبی می بازد در اندیشهٔ آن هست که به پیمانهٔ درون آمریکا در بیرون از آن هم سیمای انسانی پیدا کند و برای ارزش هایش نمادهای عملی و محسوس به دست دهد؟

هفته نامهٔ

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قران کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۱۵ چهارشنبه ۱۵ سرطان ۱۳۸۴ ۲۹ جمادی الأول ۱۴۲۶ - 6 July 2005

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

انیس کاسه زیر نیم کاسه می گذارد!

روزنامهٔ ملی انیس در شمار قدیمی ترین روزنامه های کشور ماست. و به عنوان یک روزنامهٔ دولتی با امکانات بسیار وسیع لازم است این روزنامه با سرووضع مناسب تری به نشر برسد.

با نگاهی به لیست بلند بالای اعضای هیأت تحریر که در هر شمارهٔ این روزنامه به نشر می رسد می توان دریافت که جمعی از زرین قلمان از هردو جنس، کسانی از اهل اندیشه و خرد و جوانمرد و آزادمرد در این روزنامه قلم می زنند ولی با کمال تأسف حاصل کار درحد توقعی نیست که از این جمع باید داشت.

از خطا های املایی و انشایی که در هر شماره رقمی درشت را تشکیل می دهد سخن نمی گوییم. حتی در تعبیرات متداول در زبان گفتار و نوشتار نیز می توان خطا های فاحشی را دریافت از جمله درعنوان مقالهٔ یکی از شماره های اخیر روزنامه (کاسه زیر نیم کاسه) آمده است که نادرست بوده و عکس آن درست است و پنهان بودن اهداف پشت پرده از آن، منظور نظر است. این که انیس نیم کاسه را روی کاسه و کاسه را زیر نیم کاسه می گذارد شاید به خاطر دوراندیشی دست اندرکاران آن باشد که با واقع بینی بیشتری به این گونه استعارات نظر دارند و در این مورد خاص نیز نگرانند مبادا با قرار گرفتن کاسه روی نیم کاسه تعادل کاسه بهم بخورد و بیفتد و بشکند!

راکت های سرگردان!

تصادفاً بازهم مطلبی از انیس نقل می کنم. از قول یکی از فرماندهان نظامی امریکایی در انیس نقل شده که گفته است یک راکت سرگردان موجب سقوط هلی کوپتر نظامی امریکایی در کنر شده است.

من نمی دانم که اصطلاح راکت سرگردان را به حساب اشتباه انیس بگذارم یا ادبیات نظامی افسران امریکایی، از واژهٔ (راکت سرگردان) می توان چنین استنباط کرد که در فضای افغانستان راکت های سرگردان وجود دارند که کسی مسؤول فیر آنها نیست ویکی از آنها تصادفاً به هلی کوپتر امریکایی اصابت کرده است. شاید هدف از راکت سرگردان رد ادعای طالبان باشد که مدعی شدند هلی کوپتر را آنان سرنگون کرده اند.

راستی دنیای نظامیان هم دنیای عجیبی است. به یاد دارم که سال ها قبل من نیز سرباز بودم روزی در جریان مشق و تعلیم نظامی در میدان تعلیم باران شدیدی شروع به باریدن کرد. فرمانده غند از طریق بلند گو اعلام نمود که به علت باران شدید امروز تعلیمات نظامی تعطیل است. همه به خیمه های خود بروند و بستره های خود را آفتاب بدهند!!

کانگرس امریکا از تسلط دوبارهٔ طالبان بر افغانستان هشدار داد

کانگرس آمریکا روز پنجشنبه ۹ سرطان سال جاری، خواستار تسریع روند آموزش افراد برای اردو و پلیس ملی افغانستان شد.

این در حالی است که کشورهای امریکا و جرمنی سرگرم آموزش افراد و ایجاد زیربناهای لازم برای این دو ارگان عمدهٔ امنیتی افغانستانند.

خبر حاکی است که یک کمیتهٔ نظارت در کانگرس امریکا هشدار داد، اگر تلاش های بین المللی برای ایجاد یک اردو و پلیس پر قدرت در افغانستان به کامیابی نینجامد، به طالبان و افراد



مسلح غیر مسؤول، زمینه فراهم خواهد شد تا دوباره کنترل این کشور را به دست گیرند.

در گزارش منتشر شده از سوی کانگرس آمریکا آمده است که عدم ایجاد یک اردو و پلیس متکی به خود در افغانستان و عدم کمک برای پیشرفت در سایر بخش ها و بی توجهی در آوردن اصلاحات، ممکن است افغانستان را بار دیگر به لانهٔ تروریزم مبدل کند.

اجلاس شانگهای خواستار تعیین ضرب الأجل برای اخراج پایگاه های نظامی امریکا از قرغیزستان و ازبکستان شد

جلسهٔ شانگ های دیروز سه شنبه ۱۴ سرطان در کشور قرغیزستان برگزار شد. در این اجلاس که سران کشورهای روسیه، چین و آسیای میانه گرد هم آمده بودند، خواستار تعیین ضرب الأجل برای خروج نیروهای ائتلاف ضد تروریزم به رهبری امریکا و برچیدن پایگاه های نظامی آن در قرغیزستان و ازبکستان، شدند.

در این اجلاس با تأکید بر ضرورت مبارزه علیه تروریسم رهبران کشورهای چین و روسیه همچنان ضمناً تأکید نمودند که جهان باید چند قطبی باشد نه آن که یک کشور که اشارت به امریکا دارند، آقای تمام دنیا باشد.

گفتنی است که در این اجلاس تقاضای کشورهای هند، ایران و پاکستان مبنی بر عضویت شان در این اجلاس پذیرفته شد.

سرقت یک اثر تاریخی در بلخ

دروازهٔ زیارت ابو حفص امام عبدالله که به زیارت مزار بلند مشهور است و یک هزار سال قدامت دارد، هفتهٔ گذشته در قریهٔ سمر قندیان ولسوالي بلخ مزارشریف ، توسط افراد ناشناس به سرقت برده شده است. به گفتهٔ مردم محل، این زیارت در تپه یی بلند واقع بوده و بیش از هزار نفر از نقاط مختلف، بخصوص خانم ها در روز هاي چهارشنبه آن جا را زیارت می کنند. اسماعیل خان موسفید قریهٔ سمرقندیان گفت: نظر به معلومات خودم، این دروازه یک هزار سال قدامت داشته و در آن نقش و نگار و جملات و آثار تاريخي نقاشي شده بود. وي می گوید که در سرقت این دروازه ، دست خارجي ها دخیل می باشد در غیر آن، چرا این دروازه در گذشته سرقت نشده بود.

این درحالی است که سه تخته قالین ده مترهٔ مسجد جامع خواجه ابونصرپارسا در ولسوالی بلخ که قدامت یک صد ساله داشت بیست روز قبل ، توسط افراد ناشناس به سرقت برده شد و به جاي آن قالین هاي ایرانـي فرش گردید. طبق یک خبر دیگر هفتهٔ قبل سنگ آرامگاه ناصر خسرو بلخی در ولسوالی یمگان ولایت بدخشان نیز به سرقت برده شد. دولت در زمینهٔ جلوگیری از سرقت آثار باستانی، تا هنوز نتوانسته است اقدام مشخصی انجام دهد تا از سرقت بیشتر این آثار جلوگیری به عمل آید.

مهاجر باید په خپله خوښه هیواد ته ستانه شي



د روان کال د جون د میاشتي په دیرشمه نیته د پاکستان په قبایلي سیمو جنوبي وزیرستان کي د افغاني کډوالو کمپونه وتړل شول او له دي سیمي څخه 32 زره کډوال د افغانستان جنوبي ولایتونوته په بیره وکوچیدل اوس د کډوالو نړیواله اداره وائي چي په بلوچستان او سرحد ایالت کي خیني نور کمپونه هم تړل کیږي دغه اداره ادعا کوي د افغانستان او پاکستان او د یو ، ان، اچ، سي، آر د اداري تر منځ په بروکول کي شوي موافقه ایجابوي چي د 2006 کال تر پاي پوري له پاکستان نه افغانان په زوره ونه ایستل شي خو دا چي د پاکستاني دولت خپلي یو شمیر سیمي د نورو فعالیتونو لپاره په کار راوستل غواړي نو دوي اړ دي چي د پاکستان د پریکړو نکه وکړي.

له پاکستان نه د افغان کډوالو ایستل او په زوره خپل هیواد ته ستنول د بشري حقوونو د عاملینو او پوهانو له خوا غندل کیږي، په دي اړه د پاکستان د حقوقو د سازمان پخواني مشرافراسیاب خټک هم نیوکه کړي او زیاته کړي ئي ده:

د پاکستان د دولت دغه چلند چي د افغان کډوالو سره ئي کوي په ډاګه له نړیوالو قوانینو څخه سرغړونه بلل کیږي.

په شمالي وزیرسان کي په لوړه کچه دمهاجرو بیرته لیږدول د ا په جنوبي وزیرستان کي د حالت بي ثباته کول دي، خټک زیاته کړه دغه راز په بلوچستان کي هم کډوال نیول کیږي، هلته هم د جنګ جګړي اثار شته نو په کار ده چي یو، ان، اچ، سي، آر په دي اړه نړیوال قوانین په پام کي ونیسي

۶ مخ

محترم استاد ربانی برخلاف تصور جهان قدرت را به من ...

اگر تا دیروز جهانیان به سوی افغانستان از سر تکبر و ترحم برخورد می کردند ولی امروز خوشبختانه شیوهٔ برخورد آنها بر میزان شخصیت و اهلیت مردم افغانستان استوار گردیده است و این روند گسترده و گسترده تر می شود.

او همچنان گفت که جهان تصور نمی کرد کسی در افغانستان از قدرت دست بردارد ولی دیدیم که محترم استاد ربانی قدرت را به من انتقال داد و نیز جهان تصور نمی کرد که افغان ها گردهم جمع شوند ولی در لویه جرگهٔ اضطراری دیدیم جمع شدند و دولت انتقالی اسلامی را یجاد کردند و باز در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی برخلاف تصور جهان جمع شدند قانون اساسی را تصویب کردند و در انتخابات ریاست جمهوری شرکت ورزیدند و رئیس جمهور کشور را انتخاب کردند.